

۲۰۰۱ TRIBUN 6, Q1

KOD: TR654

تریبون ۶ ۲۰۰۱

زبان اسلحه ای در برابر قدرت

پر یونسون

ترجمه از سوئدی: امیر خلخالی

آذربایجان ایران: زهره وفائی خواستار برابری برای ۲۰ میلیون آذربایجانی است.

تبریز- اردبیل. سالن بزرگ سخنرانی در دانشگاه تبریز مملو از مردان و زنان متوقع با لباس‌های پررنگ و شاد می‌باشد و زنان اجباراً لباس‌های زیبای خود را با حجاب اجباری اسلامی پوشانده‌اند. بر روی سن، سخنرانان با صدای کلفت و آهنگ‌دار عوض می‌شوند و گاه‌ا نیز سخنرانی توسط آوازهای گُر و نوای تار قطع می‌گردد.

جلسه بخاطر بزرگداشت شاعر حمید نطقی، یکی از محبوبترین شاعران بزبان آذربایجانی در ایران که در ماه آگوست فوت کرد، بر پا گردید. آن چیزی بود که ترتیب دهندگان هنگامیکه می‌خواستند اجازه‌استفاده از محل سالن دانشگاه تبریز را بگیرند برای مقامات دولتی ارائه دادند. ولی بر طبق اظهارات زهره وفائی، ناشر و فعال مسائل زنان هنگام قدم زدن در بیرون از سالن و در هوای آزاد، درواقع مسئله جمع‌آوری نیروی سیاسی جهت پاسداری از حق داشتن هویت ملی ۲۰ میلیون آذربایجانی در ایران است.

وی می‌افزاید که سیاستمداران از چپ تا راست در صدد تشکیل یک حزب خود آذربایجانی‌ها قبل از انتخابات در فوریه سال ۲۰۰۰ می‌باشند و در پارلمان نیز در درجه اول خواستار برابری زبان ترکی آذربایجانی و زبان فارسی در تدریس در مدارس و رسانه‌های گروهی و برنامه‌های تشریفاتی خواهند بود.

بدین ترتیب مراسم یادبود حمید نطقی بخشی از یک مبارزه انتخاباتی نیمه مخفی جهت معرفی بیشترکاندیداهای آذربایجانی مجلس برای انتخاب کنندگان می‌باشد. نیمه مخفی، بخاطر اینکه ساختار قدرت مذهبی در تهران معمولاً هرگونه تجهیز آذربایجانی را با نام «جدائی طلب، پان ترکیست» که هدفش جدا کردن منطقه آذربایجان ایران و الحاق آن به جمهوری آذربایجان در شمال که در حدود یک سوم آن جمعیت دارد را محکوم می‌کند.

زهره وفائی خود نیز در پی تشکیل یک حزب زنان آذربایجانی به اسم آذر می‌باشد که همچنین در انتخابات شرکت خواهد کرد. وی در مدت پنج سال یک طنزنامه فرهنگی منتشر می‌کرد که بالاخره توسط ارگان سانسور دولت ممنوع شد. وی تأکید می‌کند که در واقع برای آذربایجانی‌ها همه چیز به یک مسئله مربوط می‌شود:

« همه رویدادهای فرهنگی و اجتماعی در آذربایجان و همه تلاش‌هایی که در جهت انتشار چیزی به زبان ترکی، دارای یک هدف کاملاً سیاسی است در جهت پشتیبانی از خواسته‌های آذربایجانی‌های ایران برای برابر بودن با فارس‌های ایران».

در کل آذربایجان ایران حدود ۳۰ روزنامه و مجله به زبان ترکی آذربایجانی منتشر می‌شود که ۱۳ آنها در تبریز منتشر می‌شود ولی این آمار در واقع درست نیست چون که چند روزنامه فارسی زبان از دولت اجازه گرفته‌اند که دو تا سه صفحه ترکی آذربایجانی نیز بنویسند.

در شهر صنعتی اردبیل، در بین راه دریای خزر و تبریز، در یک انتشارات کوچک، آقای حافظی روزنامه «آوای اردبیل» را که بدون آگهی می‌باشد منتشر می‌کند. وی چاپ روز بعد را به من نشان می‌دهد که یک صفحه آن خیلی جالب تزئین شده با سرمقاله «زبان

آذربایجانی، زبان خوشی». وی می‌گوید: ما باید مقداری شور و شوق در خوانندگان خود ایجاد کنیم. اکثریت مردم اردبیل کارگران فقیر هستند که توان ندارند در یک مبارزه فرهنگی ملی در مقابل قدرت مرکزی فارس تهران وارد عمل شوند. ولی البته که آنها خود را ترک یا آذربایجانی می‌دانند و هیچ چیز دیگر. پس ما می‌خواهیم که آنها نیز بدان افتخار کنند.

حافظی، سردبیر آوای اردبیل از اینکه در هیچ مدرسه‌ای در اردبیل و در گل این منطقه ایران، زبان آذربایجانی تدریس نمی‌شود و فقط در دانشگاه تبریز یک کورس محدود زبان آذربایجانی برای دانشجویان انتخاب شده تدریس می‌شود، رنج می‌برد و می‌گوید:

«انگار که زبان ما فقط مسئله یک عدهٔ قلیل نخبگان دانشگاهی است. در یک یک شهرهای ایران، معلمین حقوق‌بگیر دولتی در دروس انگلیسی، آلمانی، فرانسه، زبان‌های مرده، حتی فرشبافی وجود دارد اما هیچ معلم زبان ترکی آذربایجانی که توسط نصف مردم ایران بکار برده می‌شود، وجود ندارد».